

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱، صفحات: ۷-۲۷

مقاصد الشریعه از منظر دکتر یوسف قرضاوی

مصطفی فرهودی*

محمد علی واعظی**

چکیده

یکی از راه‌های مهم برای مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری تقویت جایگاه عقل‌گرایی در مقابل نص‌گرایی افراطی است. مشکل اصلی جریان‌های خشونت‌طلب در برداشت ظاهری آنان از متون و عدم توجه به شرایط صدور و سیاق تاریخی متون دینی است. آنان هرگونه تأویل و توجه به زمینه‌های تاریخی صدور متن را نادیده می‌گیرند. یکی از چهره‌های مهم جریان نوسلفی (دکتر یوسف قرضاوی)، درصدد توجه به نقش عقل و توجه به آن در استنباط احکام است. از نظر وی، عقل نقش مهمی در استنباط احکام دارد. وی معتقد است که باید از هرگونه افراط و تفریط در توجه به نقش عقل در استنباط احکام جلوگیری شود و جانب اعتدال رعایت گردد. وی مکتب خود را "وسطیه" می‌خواند و خواهان توجه به مقاصد و اهداف شارع در کنار نصوص دینی برای استنباط احکام است. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی نظریه یوسف قرضاوی در مورد مقاصد الشریعه پرداخته خواهد شد و نظریه وسطیه (اعتدال در عقل‌گرایی) وی تبیین خواهد شد و نکاتی در نقد آن بیان خواهد گردید؛ به نظر می‌رسد دیدگاه دکتر یوسف قرضاوی در مورد نقش مقاصد الشریعه در استنباط احکام شرعی، گامی هرچند کوچک در راستای خردورزی دینی و پرهیز از افراط‌گرایی باشد.

کلیدواژه‌ها: دکتر یوسف قرضاوی، مقاصد الشریعه، مکتب اعتدال و وسطیه، نو‌ظاهرگرایان.

* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ mfarhoudi2@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جریان‌های کلامی معاصر مجتمع امام خمینی (ره)؛ Alivaезy@gmail.com

مقدمه

عقل به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی انسان‌ها نقش اصلی در حیات او دارد. عقل یکی از منابع اصلی استنباط احکام به‌شمار می‌رود. فقهای شیعه در کنار قرآن، سنت و اجماع، عقل را به‌عنوان یکی از منابع اصلی دین‌شناسی محسوب کرده‌اند. در میان فقهای اهل سنت نیز عقل از جایگاه رفیعی برخوردار است. از آنجایی که اهل سنت مرجعیت امامان دوازده‌گانه را به‌عنوان معصوم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفتند، زودتر از شیعه وارد مباحث مربوط به عقل‌گرایی و اجتهاد شدند و مباحثی نظیر قیاس، مصالح مرسله و... را مطرح کردند.

توجه به اهداف و مقاصد شارع یکی از مسائل چالش برانگیز در فقه اسلامی بوده است. در میان اهل سنت، همان‌طور که ذکر شد، از همان اوایل، بحث‌هایی به‌عنوان مقاصد الشریعه شکل گرفت. در شیعه نیز بحث‌هایی به‌عنوان *علل الشرایع* مطرح گردید و سعی گردید تا حد امکان علل تشریح برخی از احکام استنتاج شود که در ادامه به سابقه بحث مقاصد و نقش عقل در شناخت هدف و غایت احکام شارع در نزد شیعه و سنی اشاره خواهد شد. بزرگانی که در میان اهل سنت به بحث مقاصد الشریعه ورود کرده‌اند معتقدند: مقاصد الشریعه حاکم بر همه ادله است؛ یعنی جایگاه آن از همه ادله بالاتر است و هر دلیلی که در تعارض با آن باشد باید جرح و تعدیل شود؛ بنابراین آنها مدعی هستند، احکام شرع مقاصدی دارد که به منزله محکومات همه ادله است.^۱

به‌طور کلی می‌توان ضرورت پژوهش در مباحث مقاصد الشریعه را این‌طور برشمرد:

۱. ارزیابی حرکت کلی فقه و کارکرد آن؛
۲. مرزبندی و تعیین حوزه دانش فقه؛
۳. رفع تعارض در عرصه‌های قانون‌گذاری و اجرا؛
۴. ارزیابی و نقد سند حدیث از طریق متن؛
۵. دستیابی به نظام‌ها و قواعد فقهی؛

۱. سلسله نشست‌های علمی _ تخصصی از سوی مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام با عنوان "بررسی و نقد مقاصد الشریعه در نزد اهل سنت:

۶. دسته‌بندی احکام و مسائل شرعی در مجموعه‌ای منسجم و منطقی؛^۱

تعریف مقاصد الشریعه

مقاصد در لغت، جمع کلمه مقصد و مشتق از فعل قَصَدَ يَقْصِدُ، قَصْدًا است. در معجم لسان العرب اثر ابن منظور ماده (ق-ص-د) در کلام عرب به معنی توجه و عزم به سوی چیزی است؛^۲ اما در اصطلاح به معنی حکمت‌هایی است که به علت آنها خداوند انسان‌ها را خلق نموده و پیامبران را ارسال کرده است؛ در ادامه به تعریف برخی از بزرگان درباره مقاصد الشریعه می‌پردازیم.

ابوحامد غزالی در تعریف مقاصد الشریعه می‌گوید: منظور ما از مصلحت عبارت است از پاسداری از اهداف شریعت که عبارت‌اند از: حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال. وی می‌گوید: هرچه این اهداف و مقاصد، شریعت را به خطر بیندازد، مفسده داشته و دفع آن، مصلحت به‌شمار می‌آید.^۳ قابل ذکر است که عموماً در قدیم، مقاصد شریعت را در همین پنج موردی که غزالی ذکر نمود می‌دانستند و اگر امری با این موارد در تزامن بود، اولویت را به این موارد می‌دانند؛ مثلاً اگر در جایی حفظ دین در خطر بود، سعی می‌شد اولویت به حفظ دین مقدم شود.

مقاصد الشریعه از منظر یوسف قرضاوی

همان‌طور که اشاره شد، دکتر یوسف قرضاوی از آن دسته از علمای اهل سنت است که قائل به مقاصد الشریعه است. وی ادعا می‌کند، باید بین موافقان و مخالفان مقاصد الشریعه جمع کرد و راه وسط را برگزید. او منهج خود را وسطیه می‌خواند. در این مقاله، ابتدا به اهمیت بحث مقاصد الشریعه از منظر دکتر یوسف قرضاوی و سپس به بیان تقسیم‌بندی او درباره مکاتب موجود در بحث مقاصد الشریعه می‌پردازیم؛ در پایان نیز به بیان مکتب خود وی که او آن را مکتب "اعتدال" می‌نامد، خواهیم پرداخت.

۱. بهار دوست، علیرضا، پژوهش در مقاصد شریعت، مجله کتاب ماه دین، شماره ۹۲-۹۱، ص ۲۲.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳.

۳. «إن مقصود الشرع من الخلق خمسة: وهو أن يحفظ عليهم دينهم ونفسهم وعقلهم ونسلهم ومالهم... فكل من يتضمن حفظ هذه الأصول الخمسة فهو مصلحة... وكل ما يفوت هذه الأصول فهو مفسدة ودفعها مصلحة»؛ (ابوحامد غزالی، المستصفي من علم الاصول، ج ۱، ص ۲۸۷).



تبیین دیدگاه قرضای

دکتر قرضای در تعریف مقاصد الشریعه می‌گوید: مقاصد یعنی تعمیق و غوص کردن در معانی و اسرار احکام شریعت که نصوص بر آن دلالت دارد. ما نباید به ظاهر و الفاظ احکام شرعی جمود داشته باشیم و از ماوراء آن غفلت کنیم.^۱

از منظر دکتر قرضای، اگر کسی فقط به ظواهر نصوص جزئیة اکتفا کند از راه منحرف خواهد شد و در فهم خدا و رسول ﷺ دچار اشتباه خواهد شد. وی معتقد است، کارهای خداوند دارای حکمت است و یکی از اسمای الهی "حکیم" است و این نام بیش از نود بار در قرآن ذکر شده است؛ همان‌طور که خداوند این جهان را بیهوده خلق نکرده است در تشریح و قانون‌گذاری نیز هیچ چیز را بیهوده و عبث وضع نکرده است.

وی علت اتخاذ این موضع را موارد ذیل بر می‌شمرد و می‌گوید:

۱. تدبیر کردن در قرآن کریم و سایر تعلیل‌هایی که در خلق و عالم امر ذکر شده، همه آنها مرتب بر اسباب و مسببات است و از قول ابن‌قیم ذکر می‌کند که در بیش از هزار مورد در قرآن، تعلیل و بیان اسباب و مسبب ذکر شده است.

۲. استقراء کردن در احکام شریعت و اینکه شامل غایات حمیده و مصالح اصیل است که در بردارنده‌ی خیر دنیا و آخرت است و این موارد شامل فرد و جامعه می‌شود.

۳. خواندن آثار بزرگانی که به مباحث مقاصد الشریعه اهتمام ورزیده‌اند و از دایره الفاظ پا را فراتر نهاده‌اند. افرادی مانند ابن‌تیمیه و شاگردش ابن‌قیم، ابی‌اسحاق شافعی، شاه ولی‌الله دهلوی، ابراهیم الوزیر در یمن؛ از چهره‌های معاصر نیز می‌توان از محمد رشید رضا نام برد.

۴. هم‌زیستی با علمایی که به فکر مقاصد ایمان بودند و فقط به جنبه لفظی احکام توجه نداشتند. بزرگانی مانند محمود شلتوت، محمد عبدالله دراز، محمد یوسف موسی، محمد ابوزهره و...^۲

۱. «الغوص على المعانی والأسرار والحکم التي يتضمنها النص، وليس الجمود عند ظاهره ولفظه، وإغفال ما وراء ذلك»؛ (قرضای، یوسف، دراسة في فقه المقاصد الشریعة، ص ۱۵).

۲. قرضای، یوسف، دراسة في فقه المقاصد الشریعة، ص ۱۲.

قرضاوی می‌افزاید: تمام این موارد به علاوه‌ی این جمله از ابن‌قیم که می‌گوید: اساس و مبنای شریعت بر مصالح عباد در معاش و معاد است و شامل عدل، رحمت، مصالح و حکمت است، او را بر آن داشته است که به بحث مقاصد الشریعه روی آورد.^۱ او بر این باور است که مقاصد یعنی غوص در معانی و اسرار و حکمت‌هایی که نص، آنها را حمایت می‌کند و ما نباید به ظاهر الفاظ جمود داشته باشیم و از معنای و رای آن غفلت کنیم. وی حتی مقاصد الشریعه پنج‌گانه را از قالب سنتی (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال)،^۲ فراتر می‌داند و مواردی از قبیل ارزش‌های اجتماعی (یعنی آزادی، برابری و حقوق انسان و...)، را نیز جزء مقاصد شریعت می‌داند.^۳

در ادامه به تقسیم‌بندی دکتر قرضاوی از مباحث مقاصدی می‌پردازیم که معتقد است در این مسیر، سه گرایش وجود دارد؛ در واقع دو گروه دچار افراط و تفریط شده‌اند و یک راه وسط وجود دارد که وی این راه را برمی‌گزیند.

مکاتب موجود در نحوه مواجهه با مقاصد الشریعه از منظر قرضاوی

مکتب اول: پایبندی به معنای ظاهری

این مکتب را می‌توان "نو ظاهرگرایان" نامید. آنها به تبعیت از ظاهرگرایان قدیم، هرگونه تعلیل را در احکام انکار کرده‌اند و قیاس را نیز منکر شده‌اند؛ تا جایی که این عده معتقدند، ما باید گفته‌های خداوند را بدون چون و چرا اجرا کنیم و حتی اگر ما را به شرک امر کند و از توحید نهی کند نیز، باید اطاعت کنیم.^۴

یکی از چهره‌های برجسته مکتب ظاهرگرایی، ابن حزم اندلسی (متولد ۳۸۴ق) است؛ به باور غزالی، وی به‌رغم نبوغی که داشت، دچار اشتباه بزرگی شده است؛ زیرا جمهور علما بر تعلیل احکام شریعت و وجوب رعایت مقاصد در فقه و فتوی و قضا حکم کرده‌اند؛ ولی ابن حزم بر این باور است که به‌هیچ‌وجه جایز نیست در چیزی از اشیا (به‌جز مواردی که از قرآن و کلام نبی و یا از فعل و تقریر و اجماع جمیع علمای

۱. همان، ص ۱۵.

۲. کلیات خمس: حفظ الدین، حفظ النفس، حفظ العقل، حفظ النسل، حفظ المال.

۳. قرضاوی، یوسف، دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۳۹.

امت اسلام است)، حکم کرد.^۱ قرضای می گوید: اگر این نظریه را قبول کنیم، دیگر پول کاغذی ثمن نخواهد بود و احکام ربا بر آن جاری نخواهد شد و زکات نیز بر آن شامل نخواهد شد. بنا به گفته قرضای، در لبنان نیز طایفه "احباش" معتقد به این نظر هستند!^۲ این طایفه با سایر اهل سنت فرق می کنند و عقاید شاذی دارند؛ همچنین بر طبق این نظریه، تصاویر فتوکپی و تلویزیونی نیز حرام خواهد شد. قرضای می گوید: از زمانی که ابزار فتوکپی در زندگی وارد شد و علما نسبت به آن موضع گیری کردند، ما شاهد فتواهایی هستیم که بین مباح، مکروه و حرام در گردش هستند که منشاء این گونه فتوای ها، برخاسته از نوع نگاه به ظاهر نصوص شرعی است.^۳

مکتب دوم: پایبندی به مقاصد شریعت و روح دین

این مکتب در مقابل مکتب قبلی است و قائل به جوهر دین است و معتقد است، باید از اشکال و صورت ها رها شد. آنها حتی نصوص محکم را نیز رد می کنند و به تاویل قرآن نیز می پردازند؛ به تشابهات روی می آورند و از محکمت روی برمی گردانند. قرضای این دسته را، دعوت کنندگان به مدرنیته می داند و آنها را غرب گرا می نامند.^۴ قرضای می افزاید: عجیب است که این افراد برای این طرز تفکر خود از عمر بن خطاب کمک می گیرند و گمان می کنند که او اولین کسی بوده است که این مصلحت گرایی را ابداع کرده است. قرضای بر این باور است که این طرز تفکر خطا است.^۵ دکتر قرضای در کتاب سیاست شرعی در پرتو نصوص شریعت و مقاصدش، این ادعا را رد کرده است.^۶ او این مکتب را "نومعطله" می نامد.^۷

به نظر قرضای اگر به این مکتب دقیق تر نگاه کنیم خواهیم یافت که اغلب طرفداران این مکتب، سکولارها، لیبرال ها و مارکسیست ها هستند. این عده معمولاً شناخت

۱. اندلسی، ابن حزم، الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۱۹۵.

۲. قرضای، یوسف، دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. همان، ص ۴۰.

۵. همان، ص ۴۰.

۶. قرضای یوسف، السیاسة الشریعية فی ضوء نصوص الشریعة ومقاصدها، ص ۲۲۲-۱۶۹.

۷. قرضای یوسف، دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ص ۴۰.

عمیقی از اسلام ندارند و بیشتر غرب زده هستند و سعی بر این دارند که ارزش‌های غربی را به هر بهانه‌ای وارد جامعه اسلامی کنند؛^۱ مثلاً محمد آرکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰) الجزایری الاصل، از مباحث مقاصدی، به‌عنوان ابزاری برای گذشتن از قوانین شرعی استفاده می‌کند و کتاب تاریخیة العقل العربی الاسلامی را می‌نویسد.^۲

به‌نظر قرضاوی، از مهم‌ترین ویژگی‌های این مکتب می‌توان به جهل به شریعت، جرئت نداشتن در سخن گفتن و اعلام مواضع، نداشتن علم و غرب‌گرایی نام برد.^۳ این افراد منطق عقل را بر منطق وحی ترجیح می‌دهند و مدعی هستند که خلیفه دوم نیز (عمر)، برای رعایت مصالح، نصوص را تعطیل کرده است. آنان مدعی هستند که عمر، یکی از موارد مصرف زکات را که به نص قرآن "المولفه قلوبهم"^۴ است را تعطیل کرد. آنان بر این باور هستند که عمر در سال قحطی، حد سرقت را که مطابق نص صریح قرآن بوده را تعطیل کرده است؛ در حالی که نص قرآن به صراحت بیان می‌کند، باید دست سارق قطع گردد: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.^۵ از دیگر مواردی که این مکتب معتقد است که عمر بن خطاب آن را تعطیل کرده، تقسیم غنایم است که خلیفه برخلاف صریح این آیه شریفه عمل کرده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾.^۶ آنان مدعی هستند در این آیه شریفه، طبق نص، باید چهار پنجم باقی مانده از خمس بین جنگ‌جویان قسمت شود؛ ولی در جریان فتح سوادِ عراق، عمر بن خطاب بر طبق این نص عمل نکرده است.^۷

یکی از مهم‌ترین عواقب حاصل از این نوع نگرش، فرار از نصوص قطعی و متمسک شدن به برخی از متشابهات و نیز معارضه کردن با ارکان اسلام و حدود الهی به‌نام

۱. همان، ص ۸۶.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۹۶-۹۳.

۴. همان، ص ۱۰۳.

۵. «دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرد، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست»؛ (همان، ص ۱۰۳)؛ (سوره مائده، آیه ۳۸).

۶. سوره انفال، آیه ۴۱.

۷. همان، ص ۱۰۳.

مصالح است؛ حتی برخی از این افراد به معارضه با ارکان اسلام از قبیل نماز، روزه، زکات و حج پرداخته‌اند.^۱ برخی از آنان می‌پندارند که نماز موجب تعطیل شدن کارها می‌شود و یا زکات موجب گداپروری می‌گردد و یا روزه موجب کاهش بازدهی کاری می‌شود و...^۲

مکتب سوم: مکتب وسطیه و اعتدال

قرضاوی بعد از اینکه دو مکتب افراطی و تفریطی در مورد مقاصد الشریعه را برمی‌شمرد، به معرفی مکتب مورد تبعیت خود می‌پردازد. وی نام این مکتب را وسطیه یا اعتدال می‌نامد؛ به نظر قرضاوی، بهترین راه حل در مواجهه با مقاصد الشریعه، مکتب اعتدال است و آیات زیادی در قرآن به این امر اشاره دارد.^۳ وی معتقد است که مکتب وسطیه و اعتدال هم به جنبه ظاهری و نصوص دینی توجه دارد و هم به خطوط و اهداف کلی شریعت؛ به نظر او، فروع را باید به اصول باز گرداند و متغیرات را باید به ثوابت رجوع دهیم. متشابهات را باید به محکومات ارجاع داد و جزئیات را به کلیات باز گرداند. قرضاوی این مکتب را مکتبی می‌داند که حقیقت اسلام را بازتاب می‌دهد و اباطیل دشمنان را باطل می‌کند. این مکتب به تمامی فرقه‌های اسلامی توجه دارد و خواهان رسیدن به فقهی جدید است. به تعدد ادیان و مذاهب احترام می‌گذارد و بشریت را خانواده واحدی می‌داند و اهل تساهل و تسامح است.^۴

مهم‌ترین ویژگی‌های مدرسه وسطیه

از نظر قرضاوی، مهم‌ترین ویژگی‌های مدرسه وسطیه عبارت‌اند از: ایمان داشتن به مصلحت و مفسده در وراء احکام، ارتباط نصوص جزئی با اهداف کلی شریعت، داشتن دیدگاه معتدل در توازن بین اهداف دینی و دنیایی، قابل تطبیق بودن احکام الهی در همه زمان‌ها و مدارا با تمامی ادیان و مذاهب؛ در ادامه به بررسی موارد یاد شده می‌پردازیم.

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. (قرضاوی، یوسف، فقه الوسطیه الاسلامیه والتجدید، ص ۴۸)؛ «قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ»؛ (سوره بقره، آیه ۶۸).

۴. همان، ص ۱۹۶.

۱. ایمان داشتن به حکمت شریعت و مصلحت در بردارنده‌ی مصالح عباد^۱

احکام شریعت از جانب خدای حکیم نازل شده و این احکام تجلی علم و حکمت وی است. محال است که خداوند در موردی، امری را تشریح کند و آنان را به عسر و حرج گرفتار کند؛ یا اینکه خدا علم کافی نداشته باشد و هر دو احتمال مردود است و آیات فراوانی بر آن دلالت دارد؛ اما در مورد علم نداشتن خداوند، در قرآن آمده: همانا هیچ چیز، نه در زمین و نه در آسمان، بر خداوند پوشیده نیست.^۲ در مورد اینکه خداوند نمی‌خواهد ما را به عسر و حرج گرفتار کند، آیه شریفه می‌فرماید: خداوند راحتی شما را می‌خواهد و زحمت شما را نمی‌خواهد.^۳ تمام این آیات نشان می‌دهند که شریعت الهی در بردارنده مصالح و مفاسد بندگان است.

۲. ربط‌دادن نصوص و احکام شرعی به یک‌دیگر

یکی از ویژگی‌های مهم مکتب اعتدالی این است که ما نباید به نصوص و احکام به-صورت پراکنده نگاه کنیم؛ بلکه باید اجزای مختلف دین را به یک‌دیگر مرتبط کنیم و یک نگاه شمولی داشته باشیم. ما نباید به دین نگاه جزیره‌ای داشته باشیم و مانند فقهای قدیم، شریعت را به عبادات، معاملات، جنایات و عقوبات و... تقسیم‌بندی کنیم. فقیه واقعی کسی است که بین تمام این ابواب ترابط می‌بیند و هر کدام را در خدمت دیگری به‌کار می‌گیرد.^۴

از نظر وی، باید در فرآیند اجتهاد، تغییرات اجتماعی - سیاسی را چه در بعد داخلی و بین‌المللی مد نظر قرار داد. برای نمونه، اکثر فقها در قرن‌های گذشته فتوا داده‌اند که زن باید در خانه نماز بخواند و به مسجد نرود؛ به خصوص زن جوان و این وظیفه پدر آن زن و یا شوهر اوست که امور دینی را به وی بیاموزد. قرضای می‌گوید: این حکم مربوط به قرون گذشته بود؛ زمانی که زن در خانه‌اش محبوس بود. در دنیای امروز نمی‌شود این حرف را زد؛ زیرا دختران و زنان در جامعه امروزی هر روز به مدرسه و محل کار خودشان می‌روند و این کاری طبیعی است. آیا می‌شود در این چنین فضایی کسی مدعی

۱. همان، ۱۴۷.

۲. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»؛ (سوره آل عمران، آیه ۵).

۳. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ (سوره بقره، آیه ۱۸۵).

۴. قرضای، یوسف، دراسة في فقه المقاصد الشريعة، ص ۱۴۹.

شود که حرام است شما به مسجد بروید! علاوه بر این، تمام زنان دنیا اعم از نصرانی، یهودی و وثنی به عبادت‌گاه‌های خودشان می‌روند و ما بیاییم و زن مسلمان را از عبادت در مسجد منع کنیم!

۳. اعتدال در امور دنیوی و اخروی

از منظر این مکتب، افراط و تفریط مردود است؛ همان‌طور که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَا تَطْعَمُونَ فِي الْمِيزَانِ ﴿۱﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾؛^۲ و حکم کرد که هرگز در میزان عدل و احکام شرع من تعدی و نافرمانی نکنید و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و در ترازو کم نگذارید.^۳ این دیدگاه نسبت به دین و دنیا یک نگاه اعتدالی دارد.^۴

۴. ارتباط دادن نصوص دینی با زندگی واقعی و زندگی در عصر جدید

قرضاوی معتقد است که اصحاب این نظریه در برج عاج زندگی نمی‌کنند و نگاه از بالا به پایین نسبت به مردم ندارند و در صومعه‌ها نیز زندگی نمی‌کنند؛ بلکه در بین مردم زیست می‌کنند و با آلام و رنج‌های آنان آشنا هستند و سعی می‌کنند، دردهای آنان را تشخیص دهند و برای آن نسخه تجویز کنند.^۵

اصول نظریه اعتدال

قرضاوی بعد از تبیین مکتب خود، به بیان اصول و مبانی‌ای می‌پردازد که بر اساس آنها، نظریه خود را بنا کرده است. وی موارد ذیل را به‌عنوان اصول نظریه خویش برمی‌شمارد. جستجو کردن از مقصد نص قبل از حکم صادر کردن، فهمیدن نص در سیاق تاریخی آن، تشخیص میان اهداف ثابت و وسایل متغیره، هماهنگی بین امور ثابت و متغیر و فرق داشتن مسائل عبادی و معاملاتی در بحث مقاصد الشریعه از جمله اصول نظریه او می‌باشند؛ در ادامه به تفصیل موارد ذکر شده می‌پردازیم.

۱. قرضاوی، یوسف، الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۲۰.

۲. سوره الرحمن، آیات ۹-۸.

۳. سوره الرحمن، آیات ۹-۸.

۴. قرضاوی، یوسف، دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ص ۱۵۰.

۵. همان.

۱. سعی در فهم مقصد و هدف شارع از صدور احکام

دانستن مقصد و هدف شارع از امر و نهی یکی از مسائل ضروری برای هر مجتهد است؛ تا اینکه برداشت او از مسئله صحیح باشد؛ زیرا دانستن مقصد شارع نقش مهمی در حکم کردن به وجوب و استحباب در دستورات شارع دارد. ما نهی‌های وارد شده در شرع (مکروه یا حرام) را نیز زمانی می‌توانیم تشخیص دهیم که از قصد و هدف شارع آگاهی یابیم؛ برای مثال در مورد تراشیدن ریش که در برخی احادیث وارد شده، چه حکمی باید درباره جایز بودن و یا حرام بودن تراشیدن ریش صادر کنیم؟

وی می‌افزاید: اگر نگاهی به احادیث کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که در اکثر این احادیث، علت این کار بیان شده و آن شباهت نداشتن به کفار از لحاظ ظاهری است. ما از این احادیث به این نتیجه می‌رسیم که مسلمانان باید شخصیت مستقل داشته باشند و در سایر امت‌ها ذوب نشوند؛ به خصوص در دوره شکل‌گیری امت اسلامی. ما در این موارد نمی‌توانیم به ظاهر آن جمود داشته باشیم؛ زیرا علت این ریش‌تراشی و یا خضاب-کردن ریش در احادیث ذکر شده، و آن مخالفت با غیر مسلمانان است. وی می‌افزاید: از آنجایی که می‌بینیم صحابه به خضاب و... خیلی اهتمام و تقید خاصی نداشته‌اند و برخی این کار را انجام می‌دادند و برخی نیز آن را ترک کرده‌اند، می‌توانیم به این حکم کنیم که این کار از ضروریات و واجبات نبوده و بهتر این است که حکم به استحباب این عمل کنیم.^۱

۲. فهم نص در پرتو سیاق تاریخی آن

یکی دیگر از پایه‌های نظریه اعتدالی قرضای، توجه به اسباب و شأن نزول است. وی معتقد است، همان‌طور که ما در مورد قرآن با وجود اینکه قطعی‌الصدور است، نیازمند به شأن نزول هستیم تا مقصود آن را متوجه شویم، در مورد حدیث به طریق اولی باید به اسباب نزول توجه کنیم تا معنی نص را درک کنیم؛ زیرا حدیث از حیث سند و کیفیت کلی و جزئی بودن و شرایط مکانی و زمانی با قرآن تفاوت دارد و مانند قرآن نیست؛ مثلاً در قرآن باید به شأن نزول توجه کنیم تا آیاتی را که در شأن مشرکین نازل شده را در مورد مسلمانان تطبیق ندهیم؛ یعنی دقیقاً همان کاری که بعضی از غلات و خوارج انجام

۱. همان، ص ۱۵۹.

دادند؛ لذا فقیه موفقی کسی است که فقط به معنی تحت‌اللفظی بسنده نکند و به مقاصد و اسباب نزول نیز توجه کند و مانند یک غواص باشد که از سطح به عمق رود، تا بتواند به هدف نائل شود.^۱

قرضاوی می‌افزاید: به‌عنوان مثال، یکی از مواردی که اسباب نزول در یک حکم تأثیر داشته، مسئله حرام بودن سفر زنان بدون همراهی کردن یک محرم مرد با او است. این حدیث شریف که در صحیح مسلم و بخاری آمده و ابن عباس آن را از رسول خدا ﷺ نقل کرده، می‌گوید: زن باید همیشه به‌همراه محارمش سفر کند؛^۲ اما اگر ما دقت کنیم خواهیم دید که شرایط زمان ما تغییر کرده است. در زمان قدیم چون سفرها با شتر و الاغ و... انجام می‌گردید و مردم از صحراها و مکان‌های خالی از سکنه عبور می‌کردند، بیم آن می‌رفت که به زن آسیبی وارد شود و یا حداقل او در معرض تهمت قرار گیرد؛ ولی امروزه در هواپیما و قطار و... صدها مسافر با یک‌دیگر سفر می‌کنند و مشکل ذکر شده دیگر وجود نخواهد داشت.^۳

۳. تشخیص میان اهداف ثابت و وسایل متغیره

قرضاوی بر این باور است که یکی از اشتباهات رایج مردم این است که بین هدف و وسیله خلط می‌کنند و گاهی از هدف غافل می‌شوند و فقط به وسیله اهتمام می‌ورزند؛ مثلاً خداوند در قرآن می‌فرماید: و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران، خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید.^۴ واضح است که از این آیه شریفه، هیچ‌کسی متوجه نمی‌شود که تنها راه مقابله با دشمنان از طریق اسبان سواری زین کرده است و نمی‌توان گفته خود را به قرآن مستند کرد؛ زیرا هر عاقلی که با زبان و شرع آشنا باشد تشخیص خواهد داد که وسیله دفاعی امروزی تانک و...

۱. همان، ص ۱۶۱.

۲. «لا تسافر المرأة الا مع ذی محرم»؛ (بخشی از حدیثی است که در بخاری در بحث صید (۱۷۶۳) و مسلم در کتاب حج (۱۳۴۱) ذکر کرده است).

۳. قرضاوی، یوسف، دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ص ۱۶۸.

۴. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ»؛ (سوره انفال، آیه ۶۰).

است؛ مثال دیگری که می‌توان زد، مسئله مسواک زدن است که در حدیث نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده: مسواک زدن پاک‌کننده دهان و مورد رضایت پروردگار است.^۱ سوال اینجاست که آیا واقعا مسواک (چوب خاص) هدف است یا فقط به‌عنوان وسیله‌ای است که در دسترس مردم جزیره‌العرب بوده و برای تمیزی دهان از آن استفاده می‌کردند و یا آیا این کار را می‌شود با وسایل دیگری نیز انجام داد.^۲

قرضاوی می‌افزاید: مورد دیگر در این مسئله، رؤیت هلال ماه، برای وارد شدن در ماه جدید است. در احادیث داریم که تا ماه را ندیدید روزه نگیرید و تا ماه جدید را نظاره نکردید افطار نکنید.^۳ در قدیم دیدن هلال ماه با چشم بوده و این روش تنها وسیله‌ی در دسترس مردم در آن روزگار بوده است؛ اما امروزه با آمدن تلسکوپ و... آیا ما باید برای دیدن هلال ماه، فقط به چشم غیر مسلح اصرار بورزیم؟ آیا دقت تلسکوپ از چشم غیر مسلح بالاتر نیست و موجب از بین رفتن اختلافات در روز عید و... نمی‌شود؟^۴

۴. هماهنگی بین ثابت‌ها و متغیرها

مسئله هماهنگی بین امور ثابت در شریعت و متغیرها یکی از ارکان مهم مکتب اعتدال قرضای است. ثوابت به منزله "دایره‌های بسته" هستند و در آنها هیچ نوع اجتهاد و تغییر و دگرگونی وجود ندارد؛ به عبارتی دیگر، ثوابت به‌عنوان محورهایی هستند و به‌عنوان سنگ آسیابی هستند که مجتهدان باید حول این محورها چرخش کنند. این امور ثابت، محدوده وسیعی دارند و شامل عقاید اساسی مانند ایمان به خدا و ملائکه، پیامبران، آخرت و... می‌شوند. ارکان عملی اسلام مانند شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج نیز جزء این امور ثابت است. مسائل مهم اخلاقی که در قرآن و سنت ذکر شده است نیز جزء این امور ثابت است. عدل، احسان، صدق، امانت و... حرام‌های قطعی مانند قتل، زنا و هم‌جنس‌گرایی، شرب خمر، دزدی و ربا و... نیز از ثوابت به‌شمار می‌روند.^۵

سایر موارد، به‌غیر موارد ذکر شده، شامل احکام فرعی و جزئی می‌شوند و از جمله

۱. السواك مطهرة للفم مرضاة للرب.

۲. قرضای، یوسف، دراسة في فقه المقاصد الشريعة، ص ۱۷۸.

۳. صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته، فإن غمَّ عليكم فأكملوا العدة ثلاثين.

۴. قرضای، یوسف، دراسة في فقه المقاصد الشريعة، ص ۱۷۹.

۵. همان، ص ۱۹۷.

متغیرها به‌شمار می‌روند و دلالت ظنی دارند و دایره این امور ظنی وسیع می‌باشد. بیشتر احکام شرعی در این محدوده قرار می‌گیرند و قابل اجتهاد و تغییر است. سکولار-ها و طرفداران مکتب تعطیل، سعی در از بین بردن مرز میان امور ثابت و متغیر را دارند و می‌خواهند امور ثابت را به امور متغیر تبدیل کنند؛ در نقطه مقابل، نوظاهرگرایان سعی بر این دارند تا دایره ثابت‌ها را توسعه دهند و کارها را سخت کنند و آنچه را که در دین نیست داخل در دین کنند. وی معتقد است، راه حل، نظریه وسطیه یا اعتدال او است که می‌تواند امروزه گره از مشکلات مسلمانان بگشاید.

۵. فرق میان عبادت و معاملات در مباحث مقاصد شریعت

یکی دیگر از اصول مهم مکتب اعتدال و وسطیه قرضای، تمیز قائل شدن میان عبادات و معاملات در مباحث مقاصد الشریعه است. وی به تبعیت از بزرگانی مانند شاطبی (متوفی ۷۹۰ق)، بر این باور است که باید میان عبادات و معاملات در بحث مقاصد الشریعه تفاوت قائل شد. شاطبی در کتاب الموافقات خود در مسئله دوازدهم می‌گوید: ^۱ اصل در عبادات برای مکلف تعبد است، بدون توجه به معانی؛ اصل در عادات (معاملات) نیز توجه به معنا است. شاطبی برای این رای خویش به‌طور مفصل دلایل خویش را هم در مورد عبادات و هم در مورد معاملات ذکر می‌کند. ^۲

قرضای می‌گوید: برای مثال در مسائل عبادی نظیر عده طلاق، ما باید چه برای زنی که حیض می‌شود و چه برای زنی که حیض نمی‌شود، سه حیض را در نظر بگیریم؛ زیرا این مسئله عبادی است و ما نباید در مقصد و هدف شارع دخالت کنیم؛ همچنین در قوانین ارث و حدود نیز، نباید مباحث مقاصد الشریعت را دخیل کنیم. وی ادامه می‌دهد: مثلاً در بحث حدود، در یک مورد باید صد ضربه شلاق زد و در موردی دیگر هشتاد ضربه و در موردی نیز باید دست را قطع کرد و ما حق نداریم از حکمت و هدف شارع سوال کنیم و فقط باید اطاعت کنیم. در مورد زکات، قرضای بر این رای است که زکات عبادت محض نیست و با مسائل مالی آمیخته شده و به همین دلیل به نظر می‌رسد، خلیفه دوم زکات اسب را هم به سبب شرایط زمانی خاص دوره خودش، واجب کرده

۱. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۵.

است.

نقد نظریه قرضای در باره مقاصد الشریعه

الف: نقد تقسیم‌بندی دکتر قرضای از مکاتب موجود در مقاصد الشریعه

علی‌رغم اینکه نظریه قرضای، گامی مثبت برای خروج از جمود و ظاهرگرایی محضی است که بسیاری از سلفیان در رابطه با نحوه تعامل با سنت نبوی و نصوص وارده در قرآن بیان می‌دارند، ولی به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی دکتر قرضای نیازمند تدقیق بیشتری است؛ در حالی که قرضای مکاتب موجود در باب مقاصد الشریعه را به سه مکتب کلی تقسیم کرده بود، می‌توان در یک تقسیم‌بندی جامع‌تر مکاتب موجود در باب مقاصد الشریعه را به پنج مکتب تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

۱. معیار بودن نصوص دینی و رد هرگونه توجه به بحث‌های مقاصدی

این نظریه توجهی به مقاصد شریعت ندارد؛ همان‌طور که قرضای درباره ابن حزم اندلسی بیان نمود.

۲. معیار بودن مقاصد شریعت

این نظریه در مقابل نظریه اول قرار دارد؛ برای مثال خشایار بیگی در مقاله "دو مفهوم مدرنیته" می‌گوید: با رفوکاری‌های فقیهانه نمی‌توان به تحولات علمی و دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی مدرنیته پاسخ داد.^۱ مجتهد شبستری نیز بسیاری از احکام شرعی را احکام تاریخی می‌داند که وسیله‌ای برای تحقق مقاصد بوده‌اند. وی معتقد است، بین احکام و مقاصدی که ارزش ذاتی دارند تفاوت وجود دارد. تشخیص این دو به وسیله مراجعه به کتاب و سنت میسر نیست و تشخیص ذاتی و عرضی را به واسطه رجوع به تاریخ و رخداد آن حادثه تاریخی در زمان مشخص تفسیر می‌کند.^۲

۳. معیار بودن نصوص دینی با گرایش به مقاصد شریعت

در این نظریه، فقیه با محور قرار دادن ادله و اسناد شرعی، مقاصد عام شریعت از قبیل ایجاد عدالت، آزادی، قرب به سوی خداوند و... را نیز در نظر می‌گیرد.^۳ فقهایمانند

۱. بیگی، خشایار، دو مفهوم مدرنیته، مجله کیان، شماره ۳۵، ص ۴۶.

۲. مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۲۶۷.

۳. علی‌دوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، ج ۲، ص ۳۶۶.

ابن ادریس حلی و محقق اردبیلی از طرفداران و پیروان این نظریه هستند. ابن ادریس حلی علاوه بر اینکه تعلق زکات به مال یتیم را واجب نمی‌داند، آن را مستحب هم ندانسته و در واقع حرام می‌شمارد؛ برخلاف مشهور فقها که پرداخت زکات از مال یتیم را مستحب می‌دانند.^۱

۴. معیار بودن مقاصد شریعت با گرایش به نصوص دینی

صاحبان این نظریه با اینکه ادله و نصوص شرعی را به‌عنوان اسناد اجتهاد می‌پذیرند، ولی به مقاصد کلی شرع توجه بیشتری دارند و ادله و نصوص شرعی را متاخر از مقاصد شرع دانسته، نه مفسر آن.^۲ این اندیشه در میان فقهای امامیه طرفداری ندارد؛ اگرچه برخی از نواندیشان دینی در مکتب امامیه به این نظر گرایش دارند.^۳ از میان فقهای اهل- سنت نیز می‌توان به نجم‌الدین طوفی اشاره کرد که به این گرایش متمایل است.^۴

۵. معیار بودن نصوص با نظارت بر مقاصد شریعت

در این دیدگاه، مقاصد شریعت و مصالح شارع، قاعده، سند و دلیل برای فقیه نبوده و منابع استنباط، فقط ادله‌ای است که از قرآن، سنت، اجماع و عقل به‌دست می‌آید؛ اما- فقیه همیشه به مقاصد شریعت و مصالح مردم امعان نظر داشته و این امر، فقیه را در استنباط و برداشت از آیات و روایات بسیار کمک می‌کند؛ لذا در این نظریه، تمام احکام شرعی راهی برای وصول به اهداف و مصالح اصلی و مقاصد شارع مقدس خواهند بود.^۵

برای مثال، فقها در خصوص فروش سلاح به دشمنان در بعضی روایات بین زمان صلح و غیر صلح تفکیک قائل شده‌اند. حضرت امام خمینی می‌فرماید: فروش سلاح به دشمنان از شوون حاکم الهی است؛ بنابراین، نه در زمان صلح بودن، مجوز فروش سلاح محسوب می‌شود و نه کفر ایشان، موجب عدم جواز فروش خواهد بود. از اخبار و روایات هم، غیر از حکم عقل که با توجه به مقاصد کلی شارع بیان شده است، چیزی

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۱۵.

۲. علی‌دوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳. ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی، ص ۱۰۰.

۴. علی‌دوست، ابوالقاسم، مقاله فقه و مقاصد شریعت، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، شماره ۴۱، ص ۱۵۸-۱۱۸.

۵. علی‌دوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، ج ۲، ص ۳۷۷.

فهمیده نمی‌شود.^۱ امام خمینی این‌گونه روایات را همان تبیین حکم عقل عنوان می‌کند.

ب: نقد مبانی قرضای در مقاصد الشریعه

نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم، بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری، نه‌تنها برای کلیت ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد،^۲ بلکه گاهی برای احکام جزئی و خُرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌نماید.^۳ احادیث فراوانی نیز بر این اصل تأکید دارند.^۴ نگارش و تدوین کتاب‌هایی چون *علل الشرائع*، *اثبات العلل*، *مقاصد الشریعة* و... حاصل این تأکید است؛ همچنین متونی که از گذشتگان به ما رسیده، هدف‌دار بودن شریعت را می‌فهماند. شعار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، لزوم مصلحت در تشریح و "الواجبات الشرعیة اللطاف فی الواجبات العقلیة"^۵ و تعابیری مانند این، از شعارهای شناخته شده‌ای است که به‌صورت مکرر در این متون به چشم می‌خورد. برخی، هدف-دار بودن شریعت الهی را به همه فرقه‌ها و مذاهب از امت بزرگ اسلام (حتی اشاعره که افعال خداوند را معلّل به غرض و تابع هدف نمی‌دانند)، نسبت داده‌اند.^۶

به‌نظر می‌رسد در اصل پذیرفتن وجود اغراض و مصلحت در ورای احکام شرعی، نظر دکتر قرضای صحیح است و بسیاری از مبانی قرضای از جمله احاطه داشتن کلی به مقاصد کلی شارع در صدور احکام جزئی، توجه به سیاق صدور احکام شرعی، عدم خلط میان هدف و وسیله و فرق داشتن میان مسائل عبادی و شرعی با مسائل معاملات، امور مقبولی به‌نظر می‌رسد. فقهای بزرگی از شیعه و سنی در صدور بسیاری از فتواها بر

۱. خمینی، سیدروح‌الله، مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۱۳۵.

۲. (سوره بقره، آیات ۲۱۳-۱۵۱-۱۲۹)؛ (سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۴)؛ (سوره اعراف، آیه ۱۵۷)؛ (سوره انفال، آیه ۲۴)؛ (سوره حدید، آیات ۲۵-۹)؛ (سوره جمعه، آیه ۲).

۳. (سوره بقره، آیه ۱۸۳)؛ (سوره مائده، آیه ۹۷)؛ (سوره توبه، آیه ۱۰۳)؛ (سوره عنکبوت، آیه ۴۵).

۴. *نهج البلاغه* (فیض الاسلام)، خطبه اول، ص ۳۳ و ۳۴؛ خطبه ۱۸۹، ص ۶۴۰؛ محمدی‌ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۴۲۹ و ۱۴۳۰، احادیث ۹۲۶۳ - ۹۲۶۸.

۵. علی‌دوست، ابوالقاسم، فقه و عقل، ص ۱۱۹-۱۱۷.

۶. «رمضان البوطی معتقد است اشاعره در اندیشه کلامی خویش هرگونه غرض و علت را از فعل خداوند سلب می‌نمایند، ولی در اصول فقه به قیاس گرایش دارند»؛ بوطی، محمد سعید رمضان، *ضوابط المصلحة فی الشریعة الاسلامیة*، ص ۹۰-۸۳.



این باور مشی کرده و می‌کنند. این گروه با اکتفا به اسناد و عدم لحاظ مقاصد کلی و علل شرایع، نصوص دینی را بررسی و بر اساس آن فتوا می‌دهند؛ هرچند گاهی با تعابیری چون اصول مذهب، ذوق فقهی، شَمّ الفقاهه، اشاره‌ای به مقاصد می‌کنند. نکته‌ای که باید دکتر قرضاوی و همه محققانی که در عرصه بحث‌های مقاصدی فعالیت دارند در نظر بگیرند، این است که، تا وقتی با عقل قطعی و یا نص قطعی که علت واره حکمی را بیان می‌کند (قیاس منصوص العله)، از علت و راه حکمی مطلع نشده‌ایم، نمی‌توانیم فقط بر اساس حدس و گمان حکم صادر کنیم. در فقه شیعه، بحث مقاصد الشریعه به‌عنوان بحث مستقل در کنار عقل، سنت و اجماع، مطرح نبوده است؛ ولی فقهای امامیه در پذیرش "عقل عملی" به‌عنوان یکی از منابع حکم شرعی اتفاق نظر دارند؛ همچنین مبنای درک عقل و داوری کردن آن، مقاصد و مصالح مورد نظر شارع است و به‌دلیل ملازمه بین درک عقل و شرع، حکم شرعی ثابت می‌شود. افزون بر این، در استنباط احکام و تفسیر ادله آن، مقاصد شارع در نظر گرفته می‌شود؛ از طرفی مقاصد و مصالح مورد نظر شارع در اصول "فقه الحکومه" جایگاه مهمی دارد. یکی از جاهایی که می‌توان رد پای بحث مقاصد را یافت، قاعده تقدیم اهم بر مهم است که در هنگام تراحم احکام، این قاعده به‌کار برده می‌شود. قبول واجبات حکومتی و بدیهی شمردن حفظ نظام انسان‌ها، لزوم افتا بر اساس شریعت سهله سمحه و عدم سخت‌گیری در احکام و ده‌ها نمونه دیگر نشان از حضور مقاصد شارع در فقه امامیه دارد.^۱

نتیجه

یکی از بهترین راه‌های مبارزه با گروه‌های افراطی تقویت جایگاه عقل‌گرایی در مقابل نص‌گرایی است. بحث مقاصد الشریعه در میان اهل سنت از دیرباز مطرح بوده و شیعه نیز در بسیاری از مجالات با وجودی که به‌طور مستقل از بحث مقاصد نام نبرده است، به بحث‌های مقاصدی پرداخته است؛ مثلاً فتوای مشهور میرزای شیرازی در تحریم تنباکو در دوران استعمار انگلیس را فقط می‌توان در چهارچوب بحث‌های مقاصدی تبیین کرد؟ دکتر یوسف قرضاوی به‌عنوان یکی از علمای بزرگ معاصر و مطرح در جهان

۱. گرامی‌پور، مهدی، جایگاه سندی مقاصد الشریعه در فقه مذاهب اسلامی، مجله جبل‌المتین، پاییز ۱۳۹۱، ص ۷۰-۵۱.

اسلام، آثاری در مورد ضرورت توجه به بحث‌های مقاصدالشریعه دارد؛ به نظر وی، نباید عالمان اسلامی خود را صرفاً اسیر در متون دینی کنند و توجه بیشتری به شرایط مکانی و زمانی داشته باشند. وی نظریه خود در باب مقاصدالشریعه را خط اعتدال و وسطیه می‌نامد.

به نظر می‌رسد در حال حاضر که گروه‌های سلفی و متحجر با بزرگ کردن برخی از احکام ظاهری اسلام و ارائه اسلامی کاریکاتوری و نامتوازن، سعی بر غیر عقلانی نشان دادن احکام و دستورات اسلامی دارند و می‌خواهند اسلام را دینی واپس‌گرا و غیر متناسب با عصر حاضر جلوه دهند، دیدگاه دکتر یوسف قرضاوی در ضرورت توجه به مقاصدالشریعه در استخراج احکام و دستورات شرع، امری شایسته‌ی تحقیق و بررسی است؛ اما به نظر می‌رسد، دیدگاه قرضاوی و سایر محققان اسلامی که بحث‌های مقاصدی را مطرح می‌کنند، هنوز جای شفاف‌سازی مکانیسم و تدقیق دارد. امید می‌رود پژوهش‌گران توجه بیشتری به بحث‌های مقاصدی بنمایند و تحقیق‌های بیشتری در این عرصه صورت گیرد تا بتوانیم به اعتدال در احکام اسلامی دست یابیم و از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری کنیم.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حزم، الإحكام في أصول الأحكام، بيروت: دار ابن حزم، ۲۰۱۶م.
۳. بوطي، محمد سعيد، ضوابط المصلحة في الشريعة الإسلامية، بيروت: بي نا، ۲۰۰۹م.
۴. بهار دوست، علي رضا، «پژوهش در مقاصد شريعت»، مجله كتاب ماه دين، خانه كتاب، ۱۳۸۴ش.
۵. بيگي، خشايار، «دو مفهوم مدرنيته»، مجله كيان، تهران: ۱۳۷۸ش.
۶. خميني، سيد روح الله، مكاسب المحرمه، قم: مطبعة المهر، بي تا.
۷. شاطبي، إبراهيم بن موسى، الموافقات، قاهره: دار ابن عفان، ۱۴۱۷ق.
۸. علي دوست، ابوالقاسم، «فقه و عقل»، مجله فقه اهل بيت (عليه السلام)، شماره ۴۱، ۱۳۸۴ش.
۹. علي دوست، ابوالقاسم، «مقاله فقه و مقاصد شريعت»، مجله فقه اهل بيت (عليه السلام)، ۱۳۸۴ش.
۱۰. علي دوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، قم: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه، ۱۳۹۰ش.
۱۱. غزالي، ابو حامد، المستصفي من علم الاصول، مدينه: شركة المدينة المنورة للطباعة، ۲۰۰۸م.
۱۲. قرضاوي، يوسف، الاجتهاد في الشريعة الاسلامية، بيروت: دار القلم للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۱۳. قرضاوي، يوسف، السياسة الشرعية في ضوء نصوص الشريعة ومقاصدها، بيروت: طبعة مكتب وهبة، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
۱۴. قرضاوي، يوسف، دراسة في فقه المقاصد الشريعة، بيروت: دار الشروق، چاپ سوم، ۲۰۰۸م.
۱۵. قرضاوي، يوسف، فقه الوسطية الاسلامية والتجديد، قطر: مركز القرضاوي للوسطية الإسلامية والتجديد، ۲۰۰۹م.
۱۶. گرامی پور، مهدی، «جایگاه سندی مقاصد الشريعة در فقه مذاهب اسلامی»، مجله جبل المتین، شماره سوم، ۱۳۹۱ش.
۱۷. مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹ش.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ش.
۱۹. ملکیان، مصطفی، راهی به راهی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱ش.
۲۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بيروت: دار الاحياء التراث، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ش.

22. <https://www.al-qaradawi.net/node/159>
23. <http://www.markazfeqhi.com/main/books/6463-1/>



